



بی‌آبی، بیکاری، توفان شن و فقر در چشم‌انداز تار زندگی، فقط یک چاره پیش راه اهالی زابل و روستاهای اطراف آن باقی گذاشته: مهاجرت، مهاجرت به زاهدان، مشهد، گرگان و افغانستان.

وزش بادهای ۱۲۰روزه شدت گرفته، آفتاب نیمروز غبارگرفته بی‌جان است. چند زن و مرد کمبزه‌فروش دور میدان رستم زابل بساط پهن کرده‌اند خریداری نیست. دست به دامن مسافران هتل «آرام» می‌شوند.

فاطمه ۲۵ساله است اما لکه‌های بزرگ قهوه‌ای زیر چشم‌ها و چین‌های خط‌کشیده بر گوشه‌های لب، ۵۵ساله‌اش می‌نمایاند. تا پنج‌سال پیش زمین‌شان اندک آبی داشت و محصولاتی دست می‌داد اما چند سالی است فقط در حاشیه زمین، باغچه کوچکی دارند و کمبزه‌های کوچکی که قرار است جبران هزینه زندگی باشد.

وزش شن‌های روان شدت گرفته، آسمان رنگ عوض کرده و درخت‌های گز کم‌رخ کرده‌اند. فاطمه دست‌ها را پنباه کمبزه‌ها می‌کند. از میان اقوامش چند خانواده به گرگان کوچیده‌اند و همسایه دیواربه‌دیوارشان به فکر رفتن است. فاطمه خویش و قومی در گرگان ندارد، می‌گوید اگر وضعیت به همین شکل ادامه داشته باشد او، شوهر و سه فرزندش به زاهدان می‌روند.

حاشیه‌نشینی به جای ماهیگیری و کشاورزی

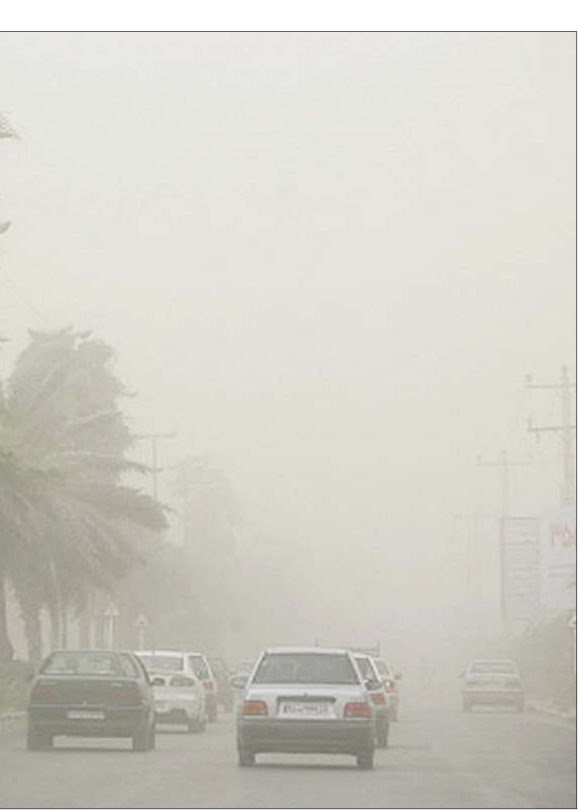
عباسعلی نورا، نماینده سابق زابل معتقد است مهم‌ترین مشکل مردم زابل که منجر به مهاجرت می‌شود، بی‌آبی و بیکاری و تغییرات اکولوژیک منطقه است. «۴۰هزارهکتار از بهترین مناطق به تلی از خاک تبدیل شده. بادهای ۱۲۰روزه هر روز شن می‌آورد و مردم مجبور به کوچ می‌شوند؛ کوچ از روستا به شهر و از شهر به زاهدان، مشهد و گرگان. با کمال تأسف حتی شاهدیم که برخی به غرب افغانستان هم می‌روند هیچ‌کس هم مسوولیتی برعهده نمی‌گیرد در حالی‌که اگر سیستان خالی شود نقطه جمعیتی بعدی خیلی دور است. از سیستان تا کرمان و بم هیچ نقطه جمعیتی وجود ندارد

پس حضور مردم در این منطقه بسیار اهمیت دارد»

حلیمه عالی نماینده زابل، زهک و هیرمند هم شاهد کوچ مردم بوده است: «۱۵ سال خشکسالی در استان سیستان‌وبلوچستان زندگی مردم را سخت و سخت‌تر کرده تا جایی که از آغاز سال تاکنون دو تا سه‌هزار خانوار به دلیل خشکسالی از سیستان‌وبلوچستان مهاجرت کرده‌اند. کم‌آبی و توفان‌های مداوم باعث شده مردم کشاورزی و زراعت را رها کرده و برای یافتن کار به شهرهای بزرگ مهاجرت کنند.» به گفته نورا، نماینده سابق زابل یکی از مقصدهای مردم در مرحله اول شهر زاهدان است: «جمعیت زاهدان از ۲۰هزار نفر به بیش از ۱۲۰هزار نفر رسیده است در حالی‌که این شهر قابلیت توسعه ندارد. زابلی‌ها زاهدان و شهرهای هم‌جوار را برای سکونت انتخاب می‌کنند و این مساله برای شهر زاهدان هم خطرآفرین خواهد بود.» پیش از این لیلا تاتمانی، رئیس اداره سکونت‌گاه‌های غیررسمی مرکز امور اجتماعی وزارت کشور با تایید افزایش حاشیه‌نشینی در زاهدان گفته است: «۲۶ تا ۴۱درصد جمعیت شهر زاهدان در مناطق حاشیهای شهر سکونت دارند و با توجه به اینکه آسپنها و جرایم اجتماعی بیشتر از نقاط حاشیهای شهر نشات می‌گیرد، موضوع ساماندهی مناطق ویژه اجتماعی در اولویت کاری حوزه اجتماعی وزارت کشور قرار گرفته است.» احمدعلی کیخا، نماینده سابق زابل و معاون سازمان حفاظت محیط‌زیست هم گزارش‌هایی از مهاجرت مردم به افغانستان را شنیده و می‌گوید: «عمق فاجعه بیشتر از چیزی است که فکر می‌کنیم» او مهم‌ترین عامل مهاجرت گسترده مردم زابل و روستاییان را بستن مرز و بازارچه‌های مرزی، خشکسالی و تعطیلی فعالیت‌های کشاورزی، هجوم توفان‌های شن و گرد و خاک و توقف فعالیت‌های عمرانی دولتی عنوان می‌کند.

مرگ هامون و بیکاری صیادان

از هامون به جز بیابانی لخت که باد زوزه‌کشان قایق‌های وارونه‌اش را تکان می‌دهد چیزی باقی نمانده است. پادها گاه تا ۲۰۰روز می‌وزند و می‌وزند و منظر چشم‌اندازی را خاک‌آلود می‌کنند. نورا می‌گوید: «هامون به تلی از خاکستر تبدیل شده. مردم این منطقه پیش از این به کشاورزی دامداری، صید ماهی و شکار اشتغال داشتند اما اکنون همه این مشاغل از بین رفته. اگر آبیاری قطاری در زمین‌های زابل انجام می‌شد بیش از ۱۰ تا۱۵هزارهکتار زمین زیر کشت می‌فت و مردم هجرت نمی‌کردند.» به گفته او در حال حاضر نرخ بیکاری در حوزه سیستان بسیار بالاست: «در این حوزه ۷۰درصد مردم به کشاورزی و دامداری اشتغال داشته‌اند که ۵۵درصد از آنان به دلیل بی‌آبی بیکار شده‌اند. اگر کمیتہ امداد و یارانه



بی‌آبی و بیکاری باعث مهاجرت زابلی‌ها به افغانستان، گرگان و مشهد شده است

صدای آب می‌آید

نرگس جودکی

نباشد، زندگی برایشان غیرممکن خواهد بود. از ۳۰درصد باقیمانده هم ۲۰درصد شاغلان بازاری و ۱۰درصد شاغلان دولتی هستند که الا ن پنج‌ردشدان مشغول تجارت هستند. در حال حاضر ۶۵درصدی که واجد شرایط نان‌آوری هستند، گرفتارند که اگر کمیتہ امداد آنجا را ترک کند و یارانه قطع شود، تشنه و گرسنه می‌مانند.» مدیرکل کار و رفاه اجتماعی استان نیز نرخ بیکاری را در زابل بیش از ۳۳درصد اعلام کرده است.

سیدباقر حسینی، نماینده زابل و عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس می‌گوید بارها در جلسات کمیسیون امنیت مجلس وضعیت سیستان و تداوم مهاجرت‌شان را گوش‌زد کرده است: «همان‌طور که مقام‌مظفره‌بری

فرموده‌اند سیستان تنگه احد ایران است و چنانچه اینجا دچار مشکل شود کل مملکت دچار مشکل امنیتی خواهد شد. با وجود توفان‌های شن و مشکلات ناشی از خشکیدن هامون، تنها عاملی که می‌تواند مهاجرت را کنترل کند اشتغال و حمایت از مرزنشینان است و گر نه هیچ‌گونه توجیه عقلانی برای زندگی آنها در این محیط باقی نمانده است.» باد در روستای فَرقری می‌پیچد. مردم، آنها که هنوز مانده‌اند درها و پنجره‌ها را بسته و کودکان را به خانه خوانده‌اند. زنی و پسرینی در حاشیه‌جاده به انتظار ماشین ایستاده‌اند. زن مادر مریض را برای رفتن به درمانگاه همراهی می‌کند. پسرزن درد را فراموش

کرده، ردیف دره‌ایی را نشان می‌دهد که قفل‌های بزرگی بر پیشانی دارند، نشان مهاجرت صاحبخانه‌ها! صاحبخانه‌هایی که هر کدام در خانه‌های اجاره‌ای تلاش می‌کنند شسب‌ها صدای توفان نشنوند و خاطر‌های خاک‌آلود را به یاد فراموشی بسپارند.

دیوار مرزی و مشکلات ناشی از آن

زمان نمایندگی عباسعلی نورا در مجلس هشتم ساخت دیوار مرزی تا ۷۰درصد پیش رفته بود؛ دیواری که اکنون میان ایران و افغانستان ایستاده و مانع عبور و مرور قاچاق انسان و کالااست. نورا منکر تاثیرات مثبت این دیوار مرزی نیست اما هم او و دیگر نمایندگان سیستانی مجلس و هم بسیاری از اهالی منطقه از وجود مشکلات قابل پیشگیری گلایه‌مند هستند. نورا می‌گوید: «مرست است که هر کشوری برای حفظ امنیت مرز اقداماتی انجام می‌دهد اما این اقدامات باید سنجیده باشد. به جز ضرورت انکارناپذیر ساخت دیوار، چند اشتباه در زمان ساخت دیوار مشکل‌آفرین



بی‌آبی و بیکاری باعث مهاجرت زابلی‌ها به افغانستان، گرگان و مشهد شده است

صدای آب می‌آید

نرگس جودکی

شده است؛ اول اینکه دیوار مرزی را پنج کیلومتر داخل خاک کشور کشیدند و این باعث شد که زمین‌های کشاورزی مرغوب پشت این دیوار بماند و افغان‌ها هم مدعی شوند که مرز اصلی کشور ما از همین دیوار آغاز می‌شود. دوم اینکه این دیوار باعث شد با وزش باد بر حاشیه این دیوار که در میانه رودخانه قرار گرفته ریگزار ایجاد شود که رودخانه را خفه و جریان آیش را تغییر داده است. تا امروز کسی پاسخ این اشتباهات را نداده است.» او ادامه می‌دهد: «از طرف دیگر مردم این استان از مرز امرار معاش می‌کردند. اگر دولت به‌درستی برای حفظ امنیت عبور و مرور مرزی را ممنوع کرده، باید فکری هم برای بازارچه مرزی می‌کرد تا مرزنشینان بتوانند از این فرصت

استفاده کنند و مانند بازارچه مرز آستارا اجناس مورد تایید را مبادله کنند.» نورا معتقد است هر چند اجرای اصل ۴۴ در پاینخت و شهرهای دیگر به توسعه کمک کرده، اما در این استان بازدارنده است و جوابگوی نیازهایست.

مهاجرت جمعی به ناکجا‌باد
شبه‌لا کاطمی‌پور، معاون پژوهشی موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت، دافعه مبدا را دلیل مهاجرت از زابل می‌داند و می‌گوید: «توسعه‌یافتگی، جنگ، خشکسالی و بلایای طبیعی افراد را از مبدا به ناکجا‌باد می‌راند چرا که آنان جان و مال و زندگی‌شان را در خطر می‌بینند، هر چند نمی‌دانند در مقصد هم چه در انتظارشان است. خشکسالی و کم‌آبی باعث از دست‌دادن شغل می‌شود و در نتیجه ادامه حیات با مشکل مواجه می‌شود و افراد مهاجرت می‌کنند. این مهاجرت هم ناشی از خشکسالی است و هم توسعه نابرابر.»

در زمان پهلوی‌اول که سیاست‌هایی برای جابه‌جایی جمعیتی اجرا می‌شد اقوام زیادی مجبور به مهاجرت شدند. از جمله تعدادی را از کردستان به گیلان و از زابل به گرگان کوچاندند. کاطمی‌پور معتقد است پس از ۵۰سال زابلی‌های گلستان آنجا را موطن خود می‌دانند اما ارتباط خود را با زابل هم حفظ کرده‌اند؛ شاید این انگیزه در انتخاب گرگان به‌عنوان مقصد زابلی‌ها بی‌تاثیر نباشد. این کارشناس جمعیت مهاجرت مردم از زابل به شهرهای دیگر را در شمار مهاجرت‌های جمعی و زنجیره‌ای دسته‌بندی می‌کند: «برخی مهاجرت‌ها جمعی است و برخی زنجیره‌ای. در مواردی که کسی به شهری می‌رود، برای خود زندگی می‌سازد و با تشویق خانواده و

اقوام مهاجرت کلونی تشکیل می‌دهد. این افراد معمولاً در روستاها یا اطراف شهرها ساکن شده و باعث مهاجرت‌های زنجیره‌ای می‌شوند. زابلی‌هایی که سال‌ها در گلستان بوده‌اند، می‌توانند عامل این تشویق باشند. اما این مهاجرت به دلیل اینکه حیات به مخاطره افتاده و دافعه مبدا وجود داشته، مهاجرت جمعی هم هست.»

او ادامه می‌دهد: «اگر در مبدا عوامل دافعه وجود داشته باشد، تاثیر مهاجرت در شهر مبدا این است که میزان بیکاری کم می‌شود و قیمت ارزاق پایین می‌آید و اگر تداوم یابد، ممکن است حتی باعث شود مبدا خالی از سکنه شود. در مقصد هم اگر میهمان ناخوانده باشند میزان بیکاری و قیمت مسکن افزایش می‌یابد و به دلیل بالا رفتن تقاضا در آموزش و بهداشت –اگر توسعه زیربنایی در مقصد داده نشود و نیروی میهمان باسواد و ماهر و سرمایه‌دار نباشد – معضلات اجتماعی افزایش می‌یابد.» به گفته این جمعیت‌شناس، مهاجرت زابلی‌ها به زاهدان بر افزایش قیمت مسکن و افزایش بیکاری موثر است، اگر گروه مهاجر در مقصد جذب نشوند (که معمولاً در شهرهای بزرگ نمی‌شوند) حاشیه‌نشینی و افزایش انحرافات اجتماعی هم افزایش می‌یابد. مسکن غیرممتعارف و مشاغل زیرزمینی شکل می‌گیرد و حداقل‌های زندگی با دشواری به دست می‌آیند. از سوی دیگر در حال حاضر وضع اقتصاد افغانستان رو به بهبود است در نتیجه مرادلات گذشته مردم دو منطقه و کسب اطلاع از وجود روزنه‌هایی برای کسب و کار افغانستان هم به‌عنوان مقصد مهاجرت انتخاب می‌شود.»

صدای آب پای

۸۰درصد دریاچه هامون خشکیده و پس از سال‌ها بی‌توجهی، تلاش‌های نازاری برای گرفتن ۸۲۰ میلیون مترمکعب حقله از افغانستان صورت گرفته تا شاید تلفشدن ۶۰۰میلیارد تومان خسارت سالانه متوقف شود. پس از سفر معصومه ابتکار، رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست و گری لوپیس، هماهنگ‌کننده سازمان ملل به استان و دیدارهای مسوولان با مقامات کشور افغانستان خبرهایی از آزادسازی آب رودخانه هیرمند شنیده می‌شود. پایگاه خبری گندم‌پرس از حرکت سیلاب از سمت فراه رود به سوی تالاب هامون صابری خبر داده است. کار گروه احیای دریاچه هامون هم شکل گرفته و طرح‌هایی برای انتقال آب مطرح است اما تاثیر سال‌های تشنگی بر سیستان‌وبلوچستان به آسانی جبران نمی‌شود.

معاون محیط‌زیست طبیعی سازمان حفاظت محیط‌زیست معتقد است طرح‌های انتقال آب از خلیج فارس و دریای عمان به تالاب هامون منطقی نیست. به گفته احمدعلی کیخا حوزه سیستان‌وبلوچستان یکی از نقاطی است که در آینده بیشترین تنش آبی را به دلیل بارندگی کم، تبخیر بالا، بیابانی و گسترده‌بودن منطقه خواهد داشت. وی با بیان اینکه موضوع تامین آب شرب سیستان‌وبلوچستان مهم‌ترین مساله در این منطقه است، افزود: «دولت باید هر چه سریع‌تر طرحی برای تامین آب شرب شهرهای منطقه با تکیه بر منابع داخلی تهیه کرده و به اجرا برآورد.»

شهر خالی، خانه خالی، کوچه خالی

غروب آسمان زابل را تیره کرده. جنب‌جوشی که در بازار است ساعتی دیگر جایش را به سکوت و تعطیلی مغازه‌ها می‌دهد. در حاشیه خیابان فردوسی کامیونی پر از اسباب و اثاثیه پارک کرده است. کنار راننده مرد جوانی نشسته که دستار سفید را روی دهنان و بینی پوشانده و چشم‌ها را از شر باد و شن تنگ کرده. امشب قرار است زار و زندگی را بردارد و به جاده برزد. مقصدش مشهد است؛ جایی که پدرزن و مادرزنش بیش از این کوچیده‌اند. کمی ترسیده. قسم می‌خورد که مجوز فرمانداری را برای جابه‌جایی گرفته. می‌گوید زندگی در زابل دیگر فایده‌ای برای او ندارد. زن و بچه‌هایش از یک سال پیش اصرار بر رفتن دارند. کشاورز بوده، خشکسالی کارگرش کرده و حالا بیکار است. دخترش آسم دارد و گرنه به هر زحمتی زندگی در زادگاهش را تحمل می‌کرد. چند مغازه‌دار جلو کامیون حلقه می‌زنند. بحث بالا می‌گیرد. همه از رفتن حرف می‌زنند و از آوارگی‌ای که سخت است، می‌گویند پلیس‌راه به کسانی که مجوز جابه‌جایی نداشته باشند، اجازه خروج از شهر نمی‌دهد.

مسوولان استان تا امروز لزوم داشتن مجوز را تایید نکرده‌اند، اما آنچه در صورت عریان شهر و روستاهای زابل هویداست، باربستن و مهاجرت است. روند مهاجرت همچنان ادامه دارد؛ تنها با این امید که راهی برای سیرایی سیستان‌وبلوچستان پیدا شود تا مردم دوباره به زابل برگردند و پلیکان‌های مهاجر به هامون.

یادداشت

نگاهی به رسیدگی جرایم اطفال و نوجوانان

سارا دماوندی

از زمان تصویب کنوانسیون حقوق کودک در اسفند سال ۱۳۷۲، تلاش شد تا قوانین کیفری حوزه کودکان در ایران تغییر یابد. یکی از این تلاش‌ها تدوین «لایحه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان» در سال ۱۳۷۸ می‌باشد که پس از تاسیس مرکز مطالعات راهبردی قوه‌قضاییه با همکاری یونیسف شروع و در سال ۱۳۸۲ اتمام یافت و بعد از گذشت سه‌سال، در دستور کار کمیسیون قضایی مجلس قرار گرفت اما از آنجایی که بحث تغییر ماهوی و شکلی قوانین جرایمی به میان آمد، تصویب این لایحه به تعویق افتاد. در این لایحه مجازات کودکان زیر ۱۸سال مشمول تخفیف شده و از اعدام و مجازات‌های سنگین معاف شده‌اند. این لایحه به «لایحه لغو اعدام زیر ۱۸سال» معروف است. البته این لایحه طبق ماده ۲۵ آن، صدور حکم اعدام را منوط به نداشتن شبهه در رشد و کمال عقل مرتکب نموده است. در این لایحه، دادگاه و دادسرا و پلیس ویژه اطفال و نوجوانان پیش‌بینی شده است همین‌طور مرجع تجدیدنظرخواهی اختصاصی جهت رسیدگی به احکام صادره در دادگاه‌های اطفال و نوجوانان در نظر گرفته شده است. حضور دادستان یا نماینده آن در دادگاه اطفال و نوجوانان پیش‌بینی شده که تنها در قانون تشکیل دادگاه‌های اطفال بزهکار مصوب ۱۳۳۸ حضورشان الزامی بود و پس از آن از میان مواد مربوط به دادرسی اطفال حذف شد. این لایحه با گذشت ۱۰سال از تدوین آن همچنان به تصویب نرسیده اما از مواد آن در تدوین قانون مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری استفاده شده است. در بهار سال ۱۳۹۲ قانون مجازات اسلامی به تصویب رسید و در این قانون تغییرات خاصی در حوزه قوانین اطفال و نوجوانان صورت گرفت. اولین تغییر، اختصاص یک فصل به مجازات اطفال و نوجوانان با عنوان «مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان» و به‌کارگیری عبارت اطفال و نوجوانان که از لایحه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان اقتباس شده، می‌باشد که بیانگر بازگشت قانونگذار به سیستم مسوولیت تدریجی می‌باشد. مسوولیت اطفال برحسب سن و جرم ارتكابی آنان در قانون جدید به سه دسته تقسیم شده است: ۹ تا ۱۵سال تمام شمسی در جرایم تعزیری و ۱۲ تا ۱۵سال قمری در جرایم حدی و قصاص و بین ۱۵ تا ۱۸سال تمام شمسی در جرایم تعزیری، قانونگذار برای اطفالی که زیر سن بلوغ مرتکب جرم تعزیری می‌شوند از واژه تصمیمات استفاده نموده و برای آنها اقدامات تأمینی و تربیتی در نظر گرفته است همچنین قانونگذار، مجازات‌هایی را برای اطفال و نوجوانان ۱۸سال در نظر گرفته است مانند نگهداری در کانون اصلاح و تربیت و جرای نقدی و انجام خدمات عمومی رایگان می‌باشد. زیرا در این سن نوجوانان دارای مسوولیت کیفری نسبی می‌باشند و قابل مجازاتند و لذا قانونگذار بین مجازات افراد بیشتر از ۱۸سال و کمتر از آن تفاوت‌قابل شده است. همچنین در فصل حدود اجرای مجازات حدی بر متهم را منوط به داشتن علم و قصد و نبود موانع مسوولیت کیفری نموده است و در ماده ۹۱ این قانون، قانونگذار از ماده ۲۵ لایحه رسیدگی به جرایم اطفال استفاده نموده و در واقع با این ماده امکان صدور احکام اعدام را در مورد افراد بالغ زیر ۱۸سال به حداقل رسانده و با یک نگاه خوشبینانه صدور احکام اعدام را منتفی نموده است بدین صورت که صدور احکام حدود و قصاص در صورت اثبات عدم رشد عقلی در این افراد منتفی می‌گردد. دادگاه برای تشخیص رشد و کمال عقل می‌تواند نظر پزشکی قانونی را استعلام نماید یا از هر طریق دیگر که مقتضی بداند استفاده نماید. در این قانون برای اولین‌بار تعویق مجازات در نظر گرفته شده است که شامل جرایم اطفال و نوجوانان نیز می‌شود. اقدام مثبت دیگر قانونگذار که در ماده ۹۵ به آن اشاره نموده این است که محکومیت‌های کیفری اطفال و نوجوانان فاقد آثار کیفری است» اما تغییر دیگری که جامعه حقوقی در انتظار وقوع آن است، تصویب لایحه آیین دادرسی کیفری می‌باشد. در این لایحه تشکیلات و سیستم دادرسی خاصی برای اطفال و نوجوانان در نظر گرفته شده است. نکته قابل‌توجه آن این است که با مواد لایحه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان کاملاً منطبق است و درواقع از تشکیلات پیش‌بینی شده در آن استفاده شده است. در این لایحه دادگاه و دادسرای اطفال و نوجوانان با صلاحیت ذاتی رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان پیش‌بینی شده‌است قاضی دادگاه اطفال و نوجوانان را رییس قوه‌قضاییه‌از بین قضاتی که حداقل پنج سال سابقه خدمت قضایی داشته و شایستگی آنان را با رعایت سن، تاهل، گذراندن دوره آموزشی و ترجیحا داشتن فرزند محرز بداند، انتخاب می‌کند. مشاوران دادگاه اطفال و نوجوانان از بین متخصصان علوم تربیتی و روانشناسی و جرم‌شناسی و مددکاران اجتماعی، دانشگاهیان و فرهنگیان آشنا به مسایل روانشناختی و تربیتی کودکان و نوجوانان اعم از شاغل و بازنشسته انتخاب می‌شوند.

		۱		۹		۶
۷						
۸	۴		۳		۹	
۳		۱	۶		۲	
		۶				۷
				۹		۵
					۳	
			۸		۵	۱

۷				۴		۹
					۶	۷
		۹	۳		۷	
۸		۲	۴		۱	۲
				۶		
		۶				
			۲		۳	۸
		۳		۴		۵
		۲				۳

سودوکو سخت ۵۸۵

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹

نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ۹۳۶

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی زاینی به معنای عدددهایی تکرار است و امروز به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشور‌های مختلف به چاپ می‌رسد.

۵	۸	۴	۷	۵	۳	۸	۱
۱	۸	۷	۵	۸	۱	۴	۶
۸	۷	۵	۸	۱	۷	۵	۶
۵	۱	۸	۸	۸	۷	۶	۵
۸	۷	۵	۱	۴	۸	۵	۷
۷	۵	۸	۵	۵	۱	۵	
۸	۴	۷	۱	۵	۸	۵	۴
۵	۸	۷	۴	۹	۱	۴	۲
۹	۳	۶	۱	۴	۲	۸	۵

۳	۶	۷	۹	۸	۵	۲	۱
۲	۹	۵	۳	۱	۷	۸	۴
۷	۸	۱	۵	۲	۴	۳	۹
۴	۲	۳	۹	۸	۷	۶	۱
۵	۷	۹	۱	۶	۴	۳	۸
۶	۱	۸	۴	۵	۳	۲	۷
۱	۴	۲	۸	۷	۵	۹	۳
۸	۵	۷	۴	۹	۱	۴	۲
۹	۳	۶	۱	۴	۲	۸	۵

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵

جدول ۱۹۳۲

شبه ویولن و اندکی بزرگتر از آن- درس خوانده قدیم ۸- معادل حرف Z در فونتیک مخابراتی- قوم مغول- راغب ۹- کشت بدون آب- درخور احترام یا توجه- همکار لورل ۱۰- منطقه سردسیر کشور تزارها- زاده‌شدن- رودی در کشور فرانسه ۱۱- اندرونی- نان خرد کرده در

شبه ویولن و اندکی بزرگتر از آن- درس خوانده قدیم ۸- معادل حرف Z در فونتیک مخابراتی- قوم مغول- راغب ۹- کشت بدون آب- درخور احترام یا توجه- همکار لورل ۱۰- منطقه سردسیر کشور تزارها- زاده‌شدن- رودی در کشور فرانسه ۱۱- اندرونی- نان خرد کرده در

شبه ویولن و اندکی بزرگتر از آن- درس خوانده قدیم ۸- معادل حرف Z در فونتیک مخابراتی- قوم مغول- راغب ۹- کشت بدون آب- درخور احترام یا توجه- همکار لورل ۱۰